

مقایسه اثرات آموزش‌های عزت‌نفس، خود کارآمدی و انگیزش پیشرفت بر کیفیت زندگی زنان مبتلا به ناتوانی جسمی-حرکتی

اعظم مرادی^{*}، دکتر مختار ملک پور^۱، دکتر شعله امیری، دکتر حسین مولوی، دکتر ابوالقاسم نوری

پذیرش نهایی ۲۰/۱۲/۸۸

تجدیدنظر: ۲۰/۱۰/۸۸

تاریخ دریافت: ۱۰/۴/۸۸

چکیده

هدف: هدف این تحقیق بررسی و مقایسه تأثیر آموزش‌های عزت نفس، خود کارآمدی و انگیزش پیشرفت بر کیفیت زندگی و حیطه‌های آن در زنان مبتلا به ناتوانی جسمی-حرکتی شهر اصفهان بود. روش: برای نمونه‌گیری ۸۰ نفر از اعضای زن ۱۸-۳۵ ساله جامعه معلولین شعبه شهر اصفهان که ویژه افراد مبتلا به ناتوانی جسمی-حرکتی است، به شیوه تصادفی انتخاب شدند و پس از اجرای پرسشنامه کیفیت زندگی سازمان بهداشت جهانی ، ۴۰ نفر از آنها که کیفیت زندگی شان از نیم دیگر آزمودنیها پایین‌تر بود، به متابه نمونه نهایی انتخاب و به طور تصادفی، به سه گروه آزمایشی و یک گروه گروه‌گواه اگذار شدند. سپس برای هر یک از گروههای آزمایشی، ۱، ۲ و ۳ به ترتیب برنامه آموزش گروهی عزت نفس، آموزش گروهی خود کارآمدی و آموزش گروهی انگیزش پیشرفت، در قالب ۹ جلسه هفتگی ۱۲۰ دقیقه‌ای برگزار شد. پس از اتمام جلسات آموزش، پس‌آزمون (پرسشنامه کیفیت زندگی سازمان بهداشت جهانی) اجرا شد. برای سنجش ویژگیهای جمعیت‌ساختی آزمودنیها، پرسشنامه مشخصات جمعیت‌ساختی به کار برده شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از تحلیل کوواریانس استفاده شد. یافته‌ها: نتایج حاکی از اثر بخشی آموزش گروهی خود کارآمدی ($P=0.043$) و آموزش گروهی انگیزش پیشرفت ($P=0.048$) و عدم اثربخشی آموزش گروهی عزت نفس ($P=0.193$) بر نمره کل کیفیت زندگی است؛ ضمناً اثر بخشی سه نوع آموزش گروهی با یکدیگر تفاوت معنی‌داری نداشت. یافته‌ها همچنین نشان دهنده اثر بخشی آموزش گروهی عزت نفس ($P=0.013$)، آموزش گروهی خود کارآمدی ($P=0.005$) و آموزش گروهی انگیزش پیشرفت ($P=0.049$) بر حیطه سلامت روانی، کیفیت زندگی و عدم اثربخشی آنها بر حیطه‌های سلامت جسمانی و سلامت محیط کیفیت زندگی بود. نتیجه‌گیری: هر سه مداخله مورد استفاده در این پژوهش به ویژه روش‌های آموزش گروهی خود کارآمدی و آموزش گروهی انگیزش پیشرفت می‌تواند بر بهبود کیفیت زندگی افراد مبتلا به ناتوانی جسمی و در نتیجه توانبخشی آنها، مؤثر باشد.

واژه‌های کلیدی: کیفیت زندگی، آموزش گروهی عزت نفس، آموزش گروهی خود کارآمدی، آموزش گروهی انگیزش، زنان مبتلا به ناتوانی جسمی-حرکتی، سلامت روانی

مقدمه

است که کیفیت زندگی افراد مبتلا به ناتوانی جسمی، در مقایسه با جمعیت عادی پایین‌تر است؛ برای مثال، نتایج پژوهش گستردۀ لوکاس (۲۰۰۷) نشان داد که ناتوانی جسمی باعث می‌شود که شادکامی^۱ که یکی از مؤلفه‌های کیفیت زندگی است، به طور متوسط تا شدید، کاهش یابد. بنت، جونز، ملوی، چامبراین و

امروزه توجه به کیفیت زندگی^۲ به متابه هدف نهایی توانبخشی^۳ در افراد مبتلا به ناتوانی جسمی^۴ به‌طور گستردۀ مورد پذیرش متخصصین حیطه توانبخشی قرار گرفته است (چابون و کلایتون، ۱۹۹۵؛ کرایوس و دیویس، ۱۹۹۲؛ روئسلر، ۱۹۹۰؛ تریسچمان، ۱۹۸۸). از طرف دیگر، بیشتر پژوهشها حاکی از این

*- دانشجوی دکتری روان‌شناسی دانشگاه اصفهان

- عضو هیأت علمی گروه روان‌شناسی دانشگاه اصفهان

- این مقاله مستخرج از پایان نامه دکتری اعظم مرادی است که با حمایت مالی سازمان ملی جوانان انجام شده است